

**The importance and necessity of re-correcting the  
treatise "Latifeye geybi" written by Mullah  
Mohammad Darabi**

**Fariba kazemi Saeed** Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

**Ayyob kooshan\*** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

**Ali dehghan** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

**Abstract:**

The originality of the text is the basis of any kind of critique and evaluation, and achieving a valid and critical correction requires searching the manuscripts and contrasting them with one of the scientific methods in correcting the texts. In the present study, by introducing two ancient and authentic versions of the book Latifeye Geybi written by Mullah Mohammad Darabi, we have examined many wrong or ambiguous words and phrases in a critical way. Although this book was corrected in 1385, but the basis of the work is based on the same offset printing of 1319 AD which was reprinted in 1357 (with calligraphy). Due to the many problems of the text at different levels of phrases and words, etc., in the present study, according to the two versions that were published in 1234 AH. And 1244 AH. It has been written, we have evaluated more than 50 mistakes of the book and we have shown its correct form. The results show that lexical errors are more common than other cases due to the scribe's inaccuracy in writing or misreading. In addition, many of the statements related to the author's arguments are confused and ambiguous due to their incorrect spelling or misreading of the scribe. Among the manuscripts, the first manuscript, which was written in 1234, is more correct than the other manuscripts.

**Keywords:** Latifeye Geybi, Mohammad Darabi, Mystical Explanation, Hafez poems, Manuscript.


---

Corresponding Author Email Address: kooshan@iaut.ac.ir\*

## اهمیت و ضرورت تصحیح مجدد رساله «لطیفه غیبی» نوشته

### ملا محمد دارابی

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

فریبا کاظمی سعید 

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

ایوب کوشان\* 

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

علی دهقان 

#### چکیده:

اصالت متن مبنای هر نوع نقد و ارزش‌یابی است و دست‌یابی به یک تصحیح معتبر و انتقادی نیازمند جستجو در نسخ خطی و مقابله آن‌ها به یکی از روش‌های علمی در تصحیح متون است. در پژوهش حاضر با معرفی دو نسخه کهن و معتبر کتاب لطیفه غیبی نوشته ملا محمد دارابی، بسیاری از عبارات و کلمات غلط و یا مبهم به شیوه انتقادی بررسی شده‌است. این کتاب هرچند در سال ۱۳۸۵ تصحیح شده است لیکن مبنای کار بر همان چاپ افست سال ۱۳۱۹ شمسی، که در سال ۱۳۵۷ (با خوشنویسی) تجدید چاپ شده است، قرار گرفته است. با توجه به اشکالات عدیده متن در سطوح مختلف (عبارات و کلمات و ...)، در پژوهش حاضر با توجه به دو نسخه‌ای که در سال ۱۲۳۴ ق. و ۱۲۴۴ ق. کتابت شده است، بیش از ۵۰ مورد از اغلاط کتاب مورد ارزیابی قرار گرفته است و صورت صحیح آن پیشنهاد داده شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از لغات و عبارات که مربوط به استدلال‌ات نویسنده است، به دلیل کتابت نادرست آن و یا غلط‌خوانی کاتب مغشوش و مبهم است. از میان نسخ، نسخ مقدم که در تاریخ ۱۲۳۴ قمری نگاشته شده است، صحیح‌تر از دیگر نسخ است. این نسخه بویژه در عبارات عربی و اعراب‌گذاری کلمات (فارسی و عربی)، دقت کافی به عمل آورده است.

کلیدواژه‌ها: لطیفه غیبی، محمد دارابی، شرح عرفانی، غزلیات حافظ، نسخه خطی.

\* نویسنده مسئول: kooshan@iaut.ac.ir

## ۱. مقدمه و بیان مسأله:

در پژوهش‌های ادبی نخستین چیزی که باید در نظر گرفته شود توجه به «اصالت متن»<sup>۳</sup> است. ارزش کار هر منتقدی که با متون ادبی سروکار دارد، وابسته به وجود متنی صحیح و معتبر است «زیرا منتقد باید اطمینان حاصل کند که به بررسی همان اثری می‌پردازد که اصالتاً از زیر دست صاحب اثر بیرون آمده است» (امامی، ۱۳۳۷: ۱۰۳). در میان نسخ خطی، نسخه‌هایی که به شرح و تفسیر متون ادبی اختصاص دارند از چندین نظر اهمیت بیشتری دارند. نخست اینکه جایگاه شاعر یا نویسنده را در میان دیگر ادبایی که به‌عنوان شارح آثار شناخته شده‌اند، نشان می‌دهد؛ دوم اینکه طرز فکر و تلقی شارحان را به اثر شرح شده نمایان می‌سازد؛ سوم اینکه در میان این شروح می‌توان به‌نوعی نقد ادبی، ولو به‌صورت ابتدایی آن، دست یافت؛ چهارم اینکه ممکن است صورت صحیحی از یک متن در همین شروح آمده باشد. علاوه بر این موارد، شارحان در اغلب موارد گزارشی از وضعیت ادبی عصر خود ارائه می‌دهند که در پژوهش‌های تاریخ ادبیات بسیار سودمند است. در کتاب‌نامه حافظ‌پژوهان و حافظ‌پژوهی مشخصات ۲۰۳ شرح خطی و چاپی بر تمام یا گزیده‌ای از دیوان حافظ آمده است (نک. به: رادفر، ۱۳۶۸: ۲۷۱-۲۹۷) که از جنبه‌های مختلف و بر پایه گرایش‌های مذهبی و کلامی گوناگونی شرح شده است. با وجود اینکه اغلب این شروح را «ترهات و پندارهای هپروتی و بیمارگونه» (حمیدیان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۵۸) دانسته‌اند، لیکن هر کدام اهمیت و ارزش ویژه‌ای دارند. تنوع شروح سبب می‌شود که تقسیم‌بندی‌هایی برای آنها در نظر بگیرند. بنابراین، «شرح‌ها را می‌توان از حیث کیفیت و چگونگی گره‌گشایی از ابهامات محتوایی آن به انواع شرح‌های همراه تصحیح نسخه، شرح لغوی، شرح معانی ابیات و جملات و تبدیل آنها به نثر ساده، شرح موضوعی، شرح بینامتنی، شرح تفسیری - مفهومی، شرح تأویلی و بازنویسی متن تقسیم کرد» (رضی و رفاهی‌بخش، ۱۳۸۹: ۹۲). در پژوهش حاضر به یکی از شروح عرفانی غزلیات حافظ که به «لطیفه غیبی» مشهور است، نظری خواهیم داشت و با توجه به سه نسخه معتبر و کهنی که معرفی خواهد شد، به بسیاری از عبارات، کلمات و اشعاری که نیاز ضروری

---

3. authenticity

به تصحیح دارند پرداخته خواهد شد. این شرح به صورت افسست در سال ۱۳۵۷ چاپ شده است و به دلیل غلط‌های فراوانی که دارد، مخاطب را سردرگم می‌کند و بسیاری از عبارات نامفهوم می‌نماید؛ از همین روی در تصحیح متن چاپ مذکور را مدّ نظر قرار داده‌ایم.

## ۲. پیشینه پژوهش:

رساله لطیفه غیبی برای آخرین بار تحت عنوان «لطیفه غیبی همراه با دارابی: لطیفه‌های عرفانی برخی از اشعار حافظ شیرازی» به تصحیح نصرت‌الله فروهر در سال ۱۳۸۵ به انجام رسیده است. محقق بنا به مقدمه‌ای که بر روش کار خود نوشته است، «چاپ سنگی سال ۱۳۵۷» را که بدان اشاره خواهیم کرد، به عنوان اساس قرار داده و از چند نسخه، که به صورت بسیار اجمالی بدان‌ها اشاره کرده است، استفاده‌ای نکرده است. عبارت مصحح بدین صورت است: «نسخه‌ای که این اثر از آن فراهم آمده است، اثری است که به سال یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت شمسی با مقدمه نخستین ناشر آن، علی‌اکبر نوری‌زاده، در حدود سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۵ و سپس با مقدمه آقای دکتر نورانی وصال و پس از آن مقدمه احمد عبدالحی مرتضوی تبریزی انتشار یافته است. لازم است یادآوری نماید که خاتمه کتاب که در آن تفالاتی به دیوان حافظ بوده است، نسخه‌هایی که مورد استفاده بوده نداشته اما آن بخش نیز در بخش خاتمه فراهم آمد. نسخه‌های خطی این اثر را می‌توان در کتابخانه‌های زیر یافت:

۱. دانشگاه ۳۲۶۰/۱ بدون تاریخ، از سده ۱۱ و یادداشت‌هایی از سال ۱۲۰۱. فهرست

دانشگاه ۲۲۲۱/۱۱

۲. مجلس ۳۴۵۲/۱ فهرست نسخه شده از سده ۱۲ [نسخه‌ها ۱۹۱/۵]

۳. دانشگاه ۴۲۹۰/۲ رجب ۱۲۲۵ نگارنده محمد بن محمود. فهرست دانشگاه ۳۲۵۹/۱۳

۴. دانشگاه تهران، ادبیات ۳۵۸/۴ جوادی تاریخ ۱۲۴۳ [فهرست ادبیات ۵۸/۳].

نسخه‌های بالا نسخه‌های نزدیک به زمان مؤلف است و بقیه نسخه‌ها به دلیل متأخر بودن چندان مهم نیستند مگر زمانی که دسترسی به چهار مورد یادشده ممکن نبوده باشد «دارابی، ۱۳۸۵: مقدمه مصحح ۳».

مصصح هیچ توضیحی درباره این نسخ ارائه نداده است و نگارندگان جز نسخه مجلس و نسخه دانشگاه تهران که شرح آنها خواهد آمد، نسخ دیگری که مقدم و یا قابل اعتنا باشد، نیافتند. از طرف دیگر معلوم نیست که چرا مصصح علی‌رغم تأکیدی که بر اصالت نسخ مقدم وجود دارد، به همان چاپ ۱۳۵۷ قناعت کرده است. در هر صورت این کتاب جزء پژوهشی با عنوان «تصحیح» قرار نمی‌گیرد.

درباره لطیفه غیبی مطلب مهمی اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه نوشته نشده است. در کتاب - شناسی حافظ و در دانشنامه حافظ و حافظ پژوهی چند یادداشت کوتاه درباره این شرح آمده است و صرفاً جنبه معرفی و کتاب‌شناختی دارد. یادداشت چنین است: «لطیفه غیبیه یا غیبی: کتابی است به زبان فارسی از محمد بن محمد دارابی، شاعر و تذکره‌نویس قرن ۱۱ و ۱۲ قمری که نویسنده آن را ترجمه لسان‌الغیب و مسمی به لطیفه غیبی می‌داند. این کتاب پاسخی است به مغرضانی که با خرده‌گیری از بعضی آیات حافظ سعی در بی‌ارزش کردن شاعر دارند. لطیفه غیبیه شامل یک مقدمه و سه باب و خاتمه است» (خرمشاهی، ۱۳۹۷، ج ۴: ۲۱۴۹). رساله لطیفه غیبی دو بار به چاپ سنگی رسیده که به گزارش مهرداد نیکنام (۱۳۸۱: ۱۵۱) موارد ذیل است:

لطائف غیبیه: تهران: دارالخلافة، ۱۳۰۴ ق = ۱۲۶۶ ش، ۱۲۷ ص، خشتی، سنگی.

لطیفه غیبی: تهران، بی‌نا، ۱۳۰۶ ق = ۱۲۶۸ ش، ۱۲۸ ص، سنگی.

دوبار نیز از روی چاپ‌های سنگی مذکور، به خط خوشنویسی مجهول توسط کتابخانه احمدی شیراز (نخستین بار ۱۳۱۹ ش [برخلاف گفته نصرات الله فروهر] و بار دوم ۱۳۵۷ ش) به طریق «افست» منتشر شده که فاقد هرگونه توضیح، بررسی، تصحیح و حتی مشخصات نسخه‌شناسی است و صرفاً انتشار متن رساله به صورت خوشنویسی و عکسی به شمار می‌آید.

### ۳. روش تحقیق:

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت اسنادی است. در تصحیح این کتاب نیز از روش تصحیح انتقادی استفاده شده است. از همین روی با اساس قراردادن نسخه‌ای که مقدم‌تر و

کامل تر از دیگر نسخ است به مواردی که نیاز به تصحیح دارند، اشاره شده است. بنابراین، هدف ما از تصحیح چنانکه گفته‌اند، «به دست دادن متنی هر چه نزدیک تر به متن اصلی است که از زیر قلم نویسنده‌ای خارج شده یا از بیان شاعر یا گوینده‌ای تراوش یافته و امروزه مورد پژوهش ماست» (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۱۳).

#### ۴. بحث و بررسی:

##### ۱-۴. احوال و آثار نویسنده:

ملاشاه محمد دارابی اصطهباناتی که در تاریخ ادبیات با عنوان «ملاشاه محمد بن محمد عارف دارابی شیرازی» (صفا، ۱۳۶۴، ج ۵، بخش ۳: ۴۹۰) نیز از او یاد شده است، حدود سال ۱۰۰۰ هجری قمری در اصطهبانات به دنیا آمد (صدوقی سها، ۱۳۵۹: ۱۱۸-۱۱۹) و مقامات علمی خود را در آنجا فراگرفت. لقب «اصطهبانات» توسط شاگردش محمد مؤمن صاحب کتاب *طیف الخیال* برای او انتخاب شده است و این لقب در *فارس‌نامه ناصری* نیز ذکر شده است (نک. به: دارابی، ۱۳۸۵: «مقدمه مؤلف» ۱۵). او در اوایل سلطنت شاه صفی صفوی وارد اصفهان شد و بنابر قول شیخ آقابرگ در همین سال نگارش *لطیفه غیبی* را آغاز کرد و در سال ۱۰۴۳ ق. به پایان رسانید. در سال ۱۰۵۲ ق. به احمدآباد هندوستان رفت که در برخی اقوال ۱۰۶۲ ق. نیز ذکر شده است<sup>۴</sup> (نک. به: نقوی، ۱۳۴۷: ۲۰۳). دارابی در سال ۱۰۶۷ ق. به شیراز بازگشت و در همین سال آغاز به نگارش *تذکره لطایف الخیال* نمود که در سال ۱۰۷۸ ق. به پایان رسیده است. پس از چندین سفر به مکه و مشهد و اصفهان، در نهایت *ریاض‌العارفین* را در سال ۱۰۸۳ ق. در هندوستان به پایان برد. در سال ۱۰۸۳ ق. در اصفهان اقامت داشته است که نصرآبادی به این موضوع اشاره کرده است. بنابر برخی اقوال، نگارش *لطیفه غیبی* در سال ۱۰۸۷ ق. صورت گرفته است که مصحح *لطایف الخیال* با استناد به یکی از

---

۴. در هر دو نسخه مورد نظر پژوهش حاضر به تاریخ ۱۰۶۲ قمری اشاره شده است و در نسخه‌های بعد از آن به سال ۱۰۵۲ اشاره شده است.

چاپ‌های سنگی، مدت نگارش آن را تنها «شش روز» دانسته است<sup>۵</sup> (دارابی، ۱۳۸۵: ۳۱). محمد دارابی از این زمان در اصفهان ساکن می‌شود و تدریس برخی از دروس از جمله استبصار شیخ طوسی و من لا یحضر الفقیه شیخ صدوق را بر عهده می‌گیرد. در سال ۱۱۱۴ ق. ریاض‌العارفین را که شرحی از صحیفه سجادیه است به سلطان حسین صفوی (حک. ۱۱۳۵-۱۱۰۵ ق.) تقدیم می‌کند. سرانجام او در حدود ۱۳۰ (۱۱۳۰ ق.) (نک. به: صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ۱۱۹-۱۱۸) یا ۱۴۷ سالگی (۱۱۴۷ ق.) در اصطهبانات از دنیا می‌رود. آثاری که به شاه محمد دارابی منتسب است عبارت‌اند از: اثبات عالم امثال، اجازة الحدیث، اخلاق شاه محمدی، اعتقادیه، تحفه المومنین، حل العقاید، دیوان اشعار، ده عقد، روضه الصالحین و حدیقه المومنین، روضه العارفین یا همان ریاض العارفین، ریاض المومنین، شرح اسماء الحسنی، فرح السالکین، کشف الکافی فی شرح اصول الکافی، لطایف الخیال، لطایف غیبیه یا لطیفه غیبی، معراج الکمال، مقامات السالکین (دارابی، ۱۳۸۵: «مقدمه» ۲۵-۳۲).

## ۲-۴. معرفی نسخ:

### ۲-۴-۱. نسخه خطی (مجموعه) شماره ۱۶۹۰ حاج حسین نخجوانی:

این نسخه خطی مجموعه‌ای است شامل حدود ۲۰ رساله و منظومه کوتاه و بلند به زبان‌های فارسی و عربی که در موضوعات مختلفی فراهم شده است. مجموعه با «لطیفه غیبی» آغاز می‌شود و با ابیاتی از مثنوی «الا ای آهوی وحشی کجایی» حافظ پایان می‌یابد. لطیفه غیبی در اوراق «۱a تا ۳۶a» کتابت شده است و در مجموعه ۱۱۲ ورق است. این مجموعه هیچ آرایشی ندارد و تاریخ کتابت در هامش ورق ۹۶b در پایان یکی از منظومه‌های شیخ بهایی

---

۵. این تاریخ در نسخه‌هایی که در پژوهش حاضر معرفی شده اند، ذکر نشده است و بررسی ما نشان می‌دهد که برافزوده کاتبان در سده بعدی است. چنانکه در نسخه خطی دانشگاه تهران که به تاریخ ۱۳۰۷ تحریر یافته است، به شماره ۳۱۴۱ و در برگه شماره ۶۴a چنین آمده است که: «در سنه سبع ثمانین الف در دارالعلم شیراز در عرض دو هفته سمت تحریر یافت». این عبارت در نسخه دیگر کتابخانه مجلس به شماره ۲۹۱، که در سال ۱۲۵۸ ق. تحریر یافته است، وجود ندارد. بنابراین قول مصحح لطایف الخیال درباره لطیفه غیبی صحیح نیست.

آمده است. هر ورق این مجموعه ۱۷ سطر است و از او راق ۹ به بعد یک ورق افتادگی دارد. برگ نخست و برگ آخر مربوط به لطیفه غیبی در تصویر ذیل نشان داده شده است:

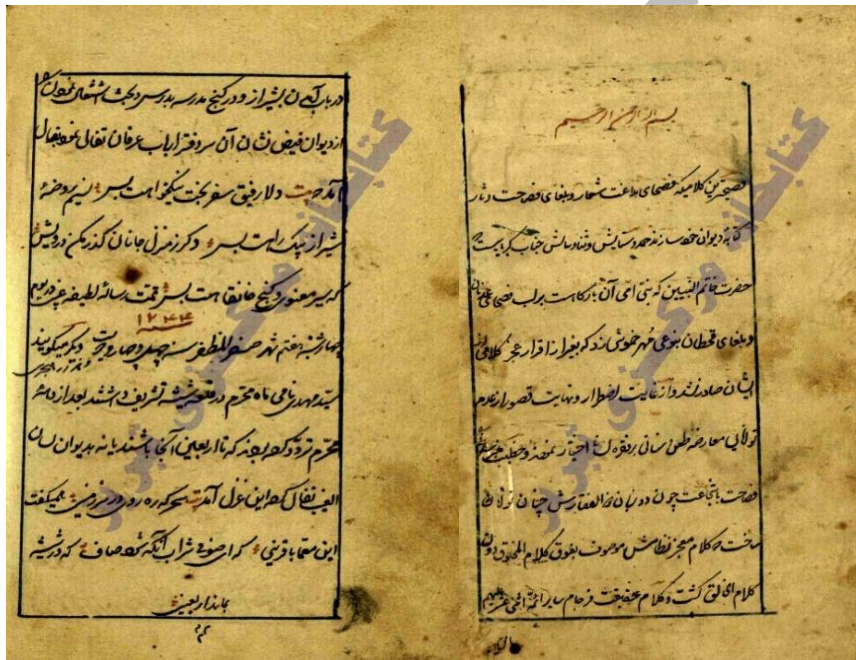


این نسخه برخی از ابیاتی را که در سایر نسخ شرح شده است، ندارد. بخصوص اشعاری که منتسب به حافظ است و در نسخ دیگر آمده است. این نسخه از لحاظ «نقطه گذاری» چندان دقیق نیست برای نمونه: محلّ فصاحت به جای محلّ فصاحت، آسبان به جای آشیان، بسپارند به جای بسیارند، خود به جای خود، و جایی و پیران بدون نقطه حرف «یای» و ... به کار رفته است. علاوه بر این، سرهم نویسی، در برخی موارد، خوانش متن را دشوار می کند برای نمونه اینجماعت، میتوانکرد، اینجان، ابجدخوانرا، آنوارداترا، بدینموال و ... نکته ای که مقابله و تصحیح این نسخ را دشوار می کند در ترتیب ابیات است. در این نسخه برخی از ابیاتی که در سایر نسخ در باب دوم و یا سوم شرح شده اند، در باب اول قرار داده است و برخی از ابیات نیز، برخلاف نسخ دیگر، در باب دوم و سوم شرح شده است. در پژوهش حاضر از این نسخه با عنوان نسخه (a) یاد کرده ایم.



۱-۲-۴. نسخه شماره ۱۵۲۲ حاج حسین نخجوانی:

این نسخه نسخه‌ای مستقل است که تنها شامل لطیفه غیبی است. کاتب این نسخه مشخص نیست و در هفتم صفر ۱۲۴۴ قمری به خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه ۸۲ ورق است و از ورق دوم افتادگی دارد و هر ورق آن ۱۱ سطر است. نسخه هیچ آرایشی ندارد و کاتب پس از پایان متن، «سید مهدی» نامی، روایتی درباره تغال به دیوان حافظ و جواب گرفتن از خواجه نقل کرده است. برگ نخست و آخر این نسخه در تصویر ذیل نشان داده شده است:



کاتب این نسخه، بنا به تناسب مطالب، از دوستی و مصاحبت خود با صائب تبریزی سخن می‌گوید. «و دیگر می‌توان گفت که آن گاه مضمون لطیفی در پیشگاه خاطر صاحب طبعان جلوه ظهور یابد آن را لباس نظم می‌پوشانند هر چند خلاف اعتقاد ایشان باشد چنانچه میرزا صابیا فرموده‌اند بیت:

میر شکایت روزی بیارگاه کریم      که مسجد از همه جا بیشتر گدا دارد

با آنکه بنده مکرر با او صحبت داشته‌ام اعتقادش خلاف مضمون این بیت است». این مطالب در پیرامون مباحث اندیشه کلام اشعری است که کاتب، با توجه به داستانی که از صائب تعریف می‌کند، بر این باور است که ممکن است شاعری مطلبی را بیان کند که خود اعتقادی بدان ندارد؛ بدین ترتیب اگر در اشعار حافظ اندیشه اشعری وجود داشته باشد، نباید آن را اعتقاد مسلم حافظ دانست! در هر صورت این نسخه در صحت و دقت عبارات و کلمات به پای نسخه (a) نمی‌رسد. با وجود این در چند مورد معدود تنها صورت صحیح را همین نسخه دارد، بخصوص در عبارات عربی. ویژگی‌های رسم الخطی این نسخه شبیه به نسخه (a) است. در پژوهش حاضر از این نسخه با عنوان نسخه (b) یاد کرده‌ایم.

### ۳-۴. نمونه‌هایی از تصحیح متن:

اشکالات، اغلاط و ابهامات این کتاب در چاپ افست آن که توسط کتابخانه شیراز صورت گرفته است چندان عدیده و متنوع است که می‌توان در چندین بخش به بررسی آنها پرداخت. مهم‌ترین مواردی که بسامد فراوانی در این زمینه دارند به شرح ذیل است که با توجه به دو نسخه مقدمی که از آنها سخن گفتیم، صورت صحیح آنها را با ذکر دلایل متنی و فرامتنی مورد بررسی قرار گرفته است:

#### ۱-۳-۴. عبارات عربی:

اغلاط فاحش نحوی، لغوی و معنایی در عبارات عربی در این کتاب بسیار زیاد است و گذشته از مفهوم کلی کلام، خواننده را ملول می‌سازد.

نمونه: «از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیها السلام منقول است».

توضیح: «علیه السلام» صحیح است.

نمونه: «لا یمكن التوصل الی معرفه الرب» (همان: ۲۷).

توضیح: مطابق نسخ (a) و (b) «التوصل» صحیح است. متن کامل روایات چنین است:

«كما لا یمكن التوصل الی معرفه النفس لا یمكن التوصل الی معرفه الرب» (نک. به: مازندرانی،

۱۳۸۳، ج ۴: ۱۵۴)

نمونه: «السعادة كالسعادة للطالب لن يتفرغ بكلية روحه و قلبه لخدمة و اصل منهم فنا في الله و بقا به ...»

توضیح: «ان يتفرغ» صحیح است. قصد نویسنده آن است که بگوید که سعادت سالک در این است که روح و قلب خود را وقف خدمت خداوند بکند. عبارت متن برخلاف این سخن است.

نمونه: «الذی لا یسمع بمثله فی الادوار و لم یره من یرانیه علن [عین] فی الاعصار» (دارابی، ۱۳۵۷: ۹۷).

توضیح: عبارت صحیح چنین است: «و لم یره من یدانیه فی الاعصار»، بدین معنی: «(او) کسی (است) که در ادوار (گوناگون) نامی همتایش شنیده نشده و کسی است که در عصور مختلف هیچ کس نتوانسته به جایگاه و رتبه اش نزدیک شود». عبارت متن غلط و نامفهوم است.

نمونه: «من لا یعرف الا به صحبت» (همان: ۹۶).

توضیح: «بصحبة» صحیح است.

نمونه: «که قال» (همان: ۱۱۴).

توضیح: «کما قال» صحیح است.

نمونه: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (همان: ۱۰۷).

توضیح: «لِيُطْفِئُوا» صحیح است. این آیه متعلق به سوره مبارکه صف آیه ۸ است که به صورت «لِيُطْفِئُوا» آمده است. در سوره توبه این آیه به شکل ذیل آمده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». این مایه از دقت در نسخ (a) و (b) وجود دارد.

## ۲-۳-۴. ابهام و اشکال معنایی:

در این بخش باید به عباراتی اشاره بکنیم که یا ابهام دارند و یا به دلیل افتادگی کلمات و آشفتگی ذهنی نویسنده صحیح نیستند.

نمونه: «عارفان در دمی دو عید کنند، یعنی در برآمدن نفس و فرورفتن که متضمن ذکر هوست در این صورت عنکبوتان مگس قدید کنند» (همان: ۸۳).

توضیح: عبارت صحیح بدین شکل است «در برآمدن نفس و فرورفتن که متضمن دو مرتبه هوست» که در نسخ (a) و (b) وجود دارد. گذشته از تفسیر بسیار عجیب و غریبی که دارابی در این بخش دارد، در این عبارت می‌گوید: «دم و بازدم» برای درویش دو ذکر (شکر) را ایجاب می‌کند، چنانکه نظیر همین عبارت در گلستان سعدی نیز هست: «هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و هر نفسی که برمی‌آید مفرّح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر نعمتی شکری واجب» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳).

نمونه: «می‌فرماید که آن سیاهی که در روی قمر می‌نماید که آن را کلف گویند و حکما در این مسئله که آیا چه باشد حیرانند؛ بعضی می‌گویند که ثقب‌هاست بر روی ماه و ضوئِ ماه بر آن ثقب‌ها نمی‌تابد» (همان: ۲۴).

توضیح: در نسخه مجلس (C) به جای قمر، «شمس» آمده است که صحیح است. دارابی می‌گوید که برخی می‌گویند چون نور خورشید در آن بخش از ماه نمی‌تابد بنابراین سیاه رنگ است.

نمونه: «ساغر و پیمانہ را نیز مدرکی گویند که ادراک معانی عالم الهی کند که مشاهده غیبی گویند» (همان: ۱۹).

توضیح: عبارت صحیح با توجه به نسخ (a) و (b) باید بدین شکل باشد: «ساغر و پیمانہ نیز مدرکی را گویند که مشاهده معنی غیبی و ادراک معانی عالم آلهی و روحانی کند».

نمونه: «آری وجود و عدم که دو عارض‌اند از برای ماهیت ممکنه علت می‌خواهند و این گنجایش نزاع ندارد» (همان: ۱۲۸).

توضیح: کلمه «رساله» افتاده و سبب ابهام معنی شده است. «این رساله گنجایش نزاع ندارد». دارابی در این بخش می‌گوید که بحث کلامی در زمینه جبر و اختیار بحث مفصل-تری است و نمی‌تواند بصورت کامل در این رساله به همه مباحث پیرامون آن پردازد.

نمونه: «دفتر کنایه از علوم رسمی و دکان خودفروشی و مراتب ملّائی و علم ظاهری است که حجاب روحانی است و اشدّ حجاب جسمانی است و ظلمانی است مثل فسق الراقمه» (همان: ۹۳).

توضیح: عبارت صحیح در نسخ (a) و (b) بدین شکل است: «دفتر کنایه از علوم رسمی و دکان خودفروشی و مراتب ملّایی و علم ظاهری است که حجاب روحانی است که اشدّ از حجاب ظلمانی است مثل فسق».

نمونه: «چنان می‌بینم که گویا اهل جنّت در متنعم در جنت‌اند و اهل نار معذب در نارند» (همان: ۹۸).

توضیح: عبارت صحیح در نسخ (a) و (b) چنین است: «چنان می‌بینم که گویا اهل جنّت متنعم در جنت‌اند و اهل نار معذب در نار».

نمونه: «نومیدی از جناب احدیت کفر است بلکه مراد اینکه اهل الله هم نه از بهشت و نه از اهل دوزخ» (همان: ۱۱۴).

توضیح: عبارت نسخ (a) و (b) بدین صورت است: «اهل الله نه از اهل بهشتند و نه از اهل دوزخ».

نمونه: «و نکته. شیخ شوخ طبع فطن هر گاه دانست که چنین الفاظی بر معانی خسیسه متعارف نیست اگر صاحب انصاف باشد زبان طعن نمی‌توان گشود» (همان: ۱۱۲).

توضیح: نقطه زاید میان نکته و سنج و افتادگی کلمه «سنج» این عبارت را بی‌معنا کرده است. عبارت صحیح در نسخ (a) و (b) چنین است: «و نکته سنج شیخ شوخ طبع فطن هر گاه دانست که چنین الفاظی بر معانی خسیسه متعارف و محمول نیست اگر صاحب انصاف باشد زبان طعن نمی‌توان گشود».

نمونه: «صاحب انصاف گنجایش ندارد بر چنین کلام پاک یکدستی گذارد» (همان: ۱۴).  
توضیح: عبارت صحیح باید بدین صورت باشد که در نسخه (a) آمده است: «صاحب انصاف نیز گنجایش ندارد که دست بر چنان کلام پاک و صادق گذارد». کلمه «دست» در متن افتاده است.

### ۳-۳-۴. اغلاط لغوی:

این اغلاط خود شامل چند قسمت است: بخشی از این اغلاط برحسب اشتباه کاتب روی داده است و برخی دیگر نیز به لحاظ معنایی نمی‌تواند درست باشد؛ برخی دیگر از لغات نیز خوانش غلط کاتب است. برای نمونه:

نمونه: «بر متبعان صاحب‌انصاف و مستعدان خالی از اعتصاف پوشیده نیست» (دارابی، ۱۳۵۷: ۲).

توضیح: «اعتساف» صحیح است. «اعتصاف» در لغت به معنی «کسب کردن و طلب کردن» است و «اعتساف» به معنی «بیراه رفتن و بیداد کردن» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۱) است. مستعدان خالی از اعتساف یعنی «تلاشگرانی که عادل هستند».

نمونه: «بعضی را صفات غضبیه و بعضی را صفات دیگر غالب است» (همان: ۴۹).  
توضیح: «غضبه» باید غضبیه باشد که در نسخه (a) و (b) صورت صحیح آن آمده است.  
نمونه: «سنت سنیه الهی بدان جاری شده که در برابر هر محقق باطلی، و در مقابل موسی فرعون، و ... باشد» (همان: ۱۰۶).

توضیح: محق در برابر مبطل است و حق در مقابل باطل. بنابراین مطابق نسخه (a) و (b)، «مبطل» صحیح است.

نمونه: «در این باب ید و بیضا نموده باشند» (همان: ۹۳) و «به تعلیم اصحاب در این باب ید و بیضا می‌نمود» (همان: ۴).

توضیح: «ید و بیضاء» دوبار در متن آمده و نشان می‌دهد که خود کاتب متوجه این اشتباه نبوده است. «ید بیضاء» در هر دو نسخه (a) و (b) آمده است.

نمونه: «برو ای زاهد و دعوت نکنم سوی بهشت که خدا در ازل از بهر بهشتم بسرشت»

توضیح: «نسرشت» صحیح است چنانکه دارابی در شرح نیز صورت «نسرشت» را در نظر گرفته است. خائلری نیز در تصحیح این غزل منتسب به حافظ «نسرشت» را آورده است (نک).  
به: حافظ، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰۰۴.

نمونه: «کافر کسی را گویند که یکریک وحدت شده باشد» (همان: ۱۸).  
توضیح: «یکریک» باید «یکرننگ» باشد و در هر دو نسخه (a) و (b) آمده است.

نمونه: «هر کس فیض دارد از اطاعت حضرات است» (همان: ۹۹).  
توضیح: «فیضی» صحیح است.

نمونه: «گیسو و زلف عبارت از شئون و تعینات و اعتبارات ذانت» (همان: ۸۶).  
توضیح: «ذانت» صحیح است.

نمونه: «گوئیا منکر روزی اند که نقد و اعمال در آن می شود» (همان: ۱۱۱).  
توضیح: در نسخه (a) و (b) «نقد و قلب اعمال» و «نقد اعمال» است و عبارت صحیح نیز همین است.

نمونه: «چنانچه در موضوع دیگر گفته» (همان: ۱۰۲).  
توضیح: کلمه صحیح «موضع» است؛ یعنی در جایی دیگر نیز چنین گفته است برای تأکید مطلب.

نمونه: «زمان جواجه وقت استوا بود» (همان: ۴۹).  
توضیح: «جواجه» صحیح است.

نمونه: «ساقی حدیث سرو گل و لاله می رود» (همان: ۶۲).  
توضیح: «سرو و گل» صحیح است.

نمونه: «وز ترحم جود را کمتر کند» (همان: ۶۲).  
توضیح: «جور» صحیح است.

نمونه: «ساخته شاه عالم پناه را همواره ترقیب بر قتل آدمی نموده اند که صلاح در کشتن است» (همان: ۱۳۰).  
توضیح: «ترغیب» صحیح است.

نمونه: «خلق را از دهن خویش بینداز به شک» (همان: ۱۳۳).  
توضیح: «مینداز» صحیح است.

نمونه: «و از اینجا توفیر میان این دو حدیث که، من عرف الله کلّ لسانه و حدیث من عرف الله طال لسانه جلوه ظهور می‌بخشد» (همان: ۶۸).

توضیح: نویسنده در این عبارت می‌خواهد «سازگاری» این دو کلام و عدم تناقض آن را شرح دهد، بنابراین کلمه صحیح «توفیق» است که در نسخ (a) و (b) آمده است. در جایی دیگر دارابی «توفیق» به کار برده است: «و این یکی از وجوه توفیق میان این دو حدیث است» (همان: ۱۰۴).

نمونه: «گه آگه است» (همان: ۱۲۴).

توضیح: «که» صحیح است.

نمونه: «پس هر گاه از غایت قرب گویا به او متحدم» (همان: ۶۸).

توضیح: «گوید» صحیح است.

نمونه: «مثل شمس در مشمس و بناء در بناء».

توضیح: «بنا» صحیح است.

نمونه: «هر قطعه به لونی شکلی در نظر مجسم می‌شود» (همان: ۷۵).

توضیح: مطابق نسخ (a) و (b)، «به شکلی و لونی» صحیح است.

نمونه: «خرقه عبارت از زهد و ستر است که ظاهرپرستان مغایب درویشی را به آن می‌پوشند» (همان: ۹۲).

توضیح: «مغایب» صحیح است.

نمونه: «دیوان همیشه بهارش شکفته که دماغ هوشمندان معراج فضیلت و خردمندان

عرش‌المعرفه از استشمام آن عاجز است» (همان: ۶).

توضیح: بنابر قرینه «معراج فضیلت»، باید «عرش معرفت» باشد.

نمونه: «زعم سنی اینکه است که سرچشمه فیض ابی‌بکر است» (همان: ۱۱۹).

توضیح: «این است که» صحیح است.

علاوه بر این موارد، کاتب در چندین کلمه، همانند نسخ خطی، نقطه‌گذاری دقیقی ندارد.



#### ۴-۳-۴. غلط خوانی کاتب:

غلط خوانی یکی از رایج‌ترین موارد نسخه‌های خطی است که در این کتاب نیز وجود دارد. ابهام و بی‌معنایی (غلط معنایی) آشکارترین ثمره این غلط خوانی است. نمونه: «باز مروی است که از وطن سلمان پرسید گفت انا رجل من دهاقین شیراز و این نصّ صریح است که شیراز مفتوح العنوه است و توصیف این می‌نماید که بعد از فتح اسلام بنا شد» (دارابی، ۱۳۵۷: ۴).

توضیح: «تضعیف» صحیح است. دارابی در این عبارت به مقدم بودن بنای شیراز نسبت به فتح ایران اشاره می‌کند. او با استناد به روایت سلمان به «ضعیف بودن» روایتی که بنای شیراز را بعد از فتح اسلام می‌داند، اشاره می‌کند. نمونه: «بله و چه سان می‌گویند که حق تعالی انسان را موجود کرد و انسان را معدوم کرد» (همان: ۱۲۸).

توضیح: «بله و صبیان» صحیح است. در نسخه (a) این کلمات اعراب گذاری شده‌اند. این عبارت در چاپ افست آن ابهام معنایی دارد در صورتی که در نسخه مذکور مفهوم جمله روشن است.

نمونه: «هر گاه تصفیة قلب سه مرتبه شده باشد در هر مرتبه چیزی شکسته می‌شود» (همان: ۶۳).

توضیح: «شکسته» باید مطابق نسخه (a) و (b)، «شسته» باشد چرا که خود نویسنده در ادامه به شست و شوی سه‌باره قلب اشاره می‌کند.

نمونه: «در آن حال سنگ مزار آن زنده‌دل اهل عشق را از بوسه‌های پیاپی تنگ شکر خواست» (همان: ۱۳۳).

توضیح: فعل جمله «ساخت» است. بدین معنی که آن شخصی (فتحعلی بیگ)، مزار حافظ را با بوسه‌های پیاپی تنگ شکر (شیرین) ساخت.

نمونه: «هر کس از فرقه محقه امامیه رضوان الله علیهم که به امامت حضرت رضا علیه‌السلام قائل است البته با ماست جمیع ائمه معصومین قائل است» (همان: ۱۱۸).

توضیح: متن کتاب به دلیل غلط خوانی معنای محصلی ندارد. «با ماست» در نسخ (a) و (b) «بامامت» است که جمله را معنادار می‌کند. «باماست» به لحاظ نگارشی با «بامامت» بسیار نزدیک است و «تصحیف» ایجاد می‌کند.

نمونه: «چو نقاد بصیر به غیر از نقدی که در دارالعیار اخلاص به سکه حقیقت مسکوک شده باشد نگیرد. زیرا که او حقیقت ظلمت است و اینها کوجه گردان شهرستان مجازند یا مجازان متاع معیب ظاهر آرایند و صاحب دینار مغشوش و رونق‌افزایان دکان تلبیس» (همان: ۱۱۱).

توضیح: این چند جمله بدلیل چندین اشتباه بسیار نامفهوم است. این عبارت در نسخ (a) و (b) بدین شکل آمده است: «نقاد بصیر بغیر از نقدی که در دارالعیار اخلاص به سکه حقیقت مسکوک شده باشد نگیرد چه [زیرا] او حقیقت طلب است و اینها کوجه گردان مجازند و تجاران متاع معیب و صاحب دینار مغشوش چه [زیرا] ظاهر آرایان تلبیس اند». دارابی در این عبارت دو گروه را با یکدیگر مقایسه می‌کند و نقادانی را که در دارالعیار اخلاص که «حقیقت طلب» هستند، در مقابل تجاران متاع معیب و صاحب دینار مغشوش قرار می‌دهد چرا که ظاهر آرایان تلبیس اند».

نمونه: «بس خیالش مباد منظر چشم زانکه این گوشه خاص خلوت اوست»  
توضیح: «بی خیالش» مباد صحیح است.

نمونه: «روی به اصطلاح عرفا ذات بحت من حیث هی الهیه است که جمیع موجودات در اشعه جمال او مضمحل اند» (همان: ۸۶).

توضیح: نسخ (a) و (b) چنین دارد: «رو به اصطلاح اهل عرفان ذات حقیقت من حیث الهی است که جمیع موجودات در اشعه جمال او مضمحل اند».

نمونه: «در کتاب کافی بابی در مذمت صوفیان وارد است مُعَنُونَ به باب دخول الصوفیه عن ابی عبدالله (ع)» (همان: ۱۰۷).

توضیح: «علی ابی عبدالله» صحیح است.

### ۵-۳-۴. نقل از حافظه و ذهن:

به نظر می‌رسد برخی از اغلاط فاحشی که در متن وجود دارد ناشی از تکیه بیش از حد کاتب در نقل اشعار و عبارات به حافظه است. این اشتباهات بگونه‌ای است که در مواردی دارای در شرح بیت صورت درست آن کلمه یا ترکیب را به کار می‌برد.

نمونه: «عکس روی تو چو در آینه جام افتاد عارف از پرتو می در طمع خام افتاد»  
(دارابی، ۱۳۵۷: ۵۴).

توضیح: دارابی در توضیح به جای «پرتو»، «خنده» را به کار برده است که صورت صحیح آن در نسخ (a) و (b) وجود دارد: «و خنده می عبارت از انبساط و شکفتگی حال عارف است» (همانجا).

نمونه: «و مراد مولوی رومی رحمه الله علیه ظاهراً از این بیت همین است آنجا که می‌فرماید: «بیت» عارفان در دمی دو عید کنند» (همان: ۸۳).

توضیح: این بیت در اصل از سنایی است که در نسخه (a) و (b) به نام او اشاره شده است (نک. به: سنایی، ۱۳۷۴: ۳۶۹). این موضوع دقت کاتب و امانتداری او را نشان می‌دهد.  
نمونه:

«گدای کوی تو از هشت خانه مستغنی است اسیر بند تو از هر دو عالم آزاد است»  
(همان: ۱۱۵).

توضیح: «هشت خلد» صحیح است.

نمونه: «مرد دانا نشود در چمنش نغمه سرا هر بهاری که به دنبال خزانی دارد»  
(همان: ۸۹).

توضیح: در همه نسخ بدین شکل آمده است و «مرغ دانا» صحیح است. دارابی با «مرد» شرح کرده است.

#### ۱-۲-۴. نسخه خطی مجلس به شماره ۴۸۲:

این نسخه که به خط نسخ خوش در تاریخ ۱۲۵۸ قمری کتابت شده است. این نسخه به لحاظ ترتیب ابیات و برخی عباراتی بسیار دقیقی که دارد قابل توجه است و به نسخه (a) بسیار نزدیک است. برای مثال برخی از ابیاتی که در نسخه (a) وجود ندارد در این نسخه در حاشیه نوشته شده است. از طرف دیگر کاتب این نسخه احتمالاً به دلیل آشنایی با زبان و قواعد عربی در عباراتی که به زبان عربی است دقت کافی دارد. در هر صورت این نسخه در برخی از کلماتی که مخدوش شده و یا به صورت دقیق قابل خواندن نیست بسیار مفید است. معرفی این نسخه تنها به دلیل اثبات اصالت نسخ (a) و (b) بود که مقدم بر سایر نسخ هستند. این نسخه یک ویژگی خوب دارد و آن این است که کاتب به چند نسخه این کتاب دسترسی داشته و در مواردی که یک کلمه و یا یک عبارت به چند صورت گزارش شده است، در حاشیه کتاب و یا در ذیل و بالای کلمات داخل متن قرار داده است. به عبارت دیگر دیگر ادب «مقابله کردن و به عرض رسانیدن نسخه‌های خطی» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۵۰) بدل با نسخه اساس در این نسخه دیده می‌شود. در پژوهش حاضر از این نسخه با عنوان نسخه (c) یاد کرده‌ایم.

#### ۵. نتیجه گیری:

اصالت متن مرجع هر نوع نقد ادبی است و تا زمانی که تصحیح انتقادی معتبری از یک متن در دست نباشد، ثمره و نتیجه علمی و راسخ بدست نخواهد آمد. شروحي که در قرون گذشته بر برخی از آثار نوشته شده است اهمیت ویژه‌ای دارند چرا که در این شروح می‌توان ذهنیت تاریخی یک قوم را نسبت به یک یا چند اثر ادبی خاص مطالعه کرد. لطیفه غیبی جزء نخستین شروح عرفانی حافظ و با در نظر گرفتن ایدئولوژی عصر صفوی است که توسط ملامحمد دارابی صورت گرفته است. این کتاب با وجود اینکه در سال ۱۳۸۵ تصحیح شده است لیکن مبنای تصحیح بر چاپ افسست آن (۳۵۷ شمسی) است که اشکالات بسیار عدیده‌ای در کلمات و عبارات دارد. صرف نظر از ضعف‌های متعدد نویسنده در شرح ابیات و نگاه

ایدئولوژیکی آن، تصحیفات و ابهامات و اغلاط نگارشی و ویرایشی آن سبب ملالت و سردرگمی مخاطب در اغلب عبارات می‌شود. دو نسخه قدیمی و نسبتاً خوب این کتاب در کتابخانه ملی تبریز وجود دارد که بسیاری از عبارات کتاب را می‌توان بر مبنای این دو نسخه به صورت تصحیح انتقادی مقابله نمود. نتایج مقابله نیز نشان می‌دهد که اشکالات عمده‌ای در عبارات عربی، لغات و عبارات این کتاب وجود دارد که ناشی از غلط‌خوانی کاتب، اعتماد به حافظه در نقل شعر و عدم آشنایی دقیق کاتب با زبان عربی است. در این بررسی بالغ بر پنجاه مورد از این اغلاط به صورت انتقادی مقابله شده و صورت صحیح آن نشان داده شده است.

#### تعارض منافع:

تعارض منافع ندارم.

fariba kazemisaeed

<https://orcid.org/0000-0001-9715-8282>

Ayyub kooshan

<https://orcid.org/0000-0001-8860-8827>

Ali dehghan

<https://orcid.org/0000-0003-1802-2825>

#### فهرست منابع:

قرآن کریم.

امامی، نصرالله. (۱۳۷۷). *مبانی و روش‌های نقد ادبی*، تهران: جامی.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.

جهانبخش، جويا. (۱۳۹۰). *راهنمای تصحیح متون*، تهران: میراث مکتوب.

حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *دیوان حافظ*، تصحیح و تعلیقات پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.

حمیدیان، سعید. (۱۳۸۸). *شرح شوق*، پنج جلدی، تهران: قطره.

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۹۷). *دانشنامه حافظ حافظ پژوهی*، تهران: نخستان.

دارابی، محمد بن محمد. (۱۳۹۱). *لطایف الخیال*، تصحیح یوسف بیگ باباپور، با مقدمه سیدصادق اشکوری، تهران: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *لطیفه غیبی همراه با دارابی: لطیفه‌های عرفانی برخی از اشعار حافظ شیرازی، تصحیح نصرت الله فروهر، تهران: طراوت.*

\_\_\_\_\_ (۱۳۵۷). *لطیفه غیبی «حاوی توضیح اشعار مشکله حضرت خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی به ضمیمه بیان اصطلاحات اهل عرفان»، با مقدمه علی‌اکبر نوری‌زاده و نورانی وصال، بی‌جا.*

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۶۸). *حافظ پژوهان و حافظ پژوهی، تهران: گسترده.*  
رضی، احمد، رفاهی‌بخش، زینب. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی، جستارهای نوین ادبی، (۱۷۱)، ۱۴۳-۱۶۸*. doi: 10.22067/jls.v43i4.10192  
سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵). *کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.*  
سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.*

صدوقی سها، منوچهر. (۱۳۵۹). *تاریخ حکما و عرفا، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.*  
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴). *تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش سوم، تهران: فردوسی.*  
مازندرانی «ابن شهر آشوب»، محمد بن علی. (۱۳۷۹ ق). *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه.*

مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی قدس رضوی.*  
نقوی، سیدعلیرضا. (۱۳۴۷). *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: مطبوعات علمی.*  
نیکنام، مهرداد. (۱۳۸۱). *کتاب‌شناسی حافظ، شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.*  
نسخه خطی «لطیفه غیبی»، دانشگاه تهران، شماره ۳۱۴۱، تاریخ تحریر: ۱۳۰۷ قمری.  
نسخه خطی «لطیفه غیبی»، کتاب‌خانه مجلس، شماره ۲۹۱، تاریخ تحریر: ۱۲۵۸ قمری.  
نسخه خطی شماره ۱۵۲۲، نسخ اهدایی حاج حسین نخجوانی، کتاب‌خانه ملی تبریز، تحریر: ۱۲۴۴ قمری.

نسخه خطی شماره ۱۶۹۰، نسخ اهدایی حاج حسین نخجوانی، کتاب‌خانه ملی تبریز، تحریر: ۱۲۳۴ قمری.

## References:

*Holy Quran.*  
Anwari, H. (2001). *Sokhan Dictionary*, Tehran: Sokhan.

- Darabi, Muhammad bin Muhammad (2012). *Latif al-Khayal*, edited by Yousef Bigbabapour, with introduction by Seyyed Sadegh Eshkori, Tehran: Publication of the Islamic Reserves Association.
- (2005). *Latifeye ghevbi with Darabi: Mystical jokes of some of Hafez Shirazi's poems*, edited by Nusratullah Forouhar, Tehran: Taravat.
- (1979) *Latifa Ghaybi "Contains the explanation of the difficult poems of Hazrat Khajeh Shamsuddin Mohammad Hafez Shirazi with the addition of expressing the terms of mystics"*, with the introduction of Ali Akbar Nourizadeh and Noorani Vesal, Bija: 1357.
- Emami, N. (1998). *Principles and methods of literary criticism*, Tehran: Jami.
- Jahanbakhsh, J. (2011). *Textbook*, Tehran: Mirase maktoob.
- Hafiz, SM. (1983). *Divan Hafez*, corrections and comments by Parviz Natel Khanlari, Tehran: Kharazmi.
- Hamidian, S. (1388). *Description of enthusiasm*, five volumes, Tehran: Ghatreh.
- Khorranshahi, B. (2018). *Encyclopedia of Hafez and Hafez Research*, Tehran: Nakhistan.
- Radfer, Abu al-Qasim (1986). *Memory of Researchers and Memory of Research*, Tehran: ghostardeh.
- Manuscript* of "latifeye geybi ", Library of the Majlis, No. 291, Date of writing: 1258 AH.
- Manuscript* No. 1522, donated copy by Haj Hossein Nakhjavani, National Library of Tabriz, edited by 1244 AH.
- Manuscript* No. 1690, donated by Haj Hossein Nakhjavani, National Library of Tabriz, edited by 1234 AH.
- Mayele Heravi, N. (1369). *Text Criticism and Correction*, Mashhad: Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Mazandarani, A. (1379 AH). *Manaqib Al-Abi Talib*, peace be upon them, Qom: Allama.
- Naghavi, S.A (1970). *Persian memoirs in India and Pakistan*, Tehran: elmi.
- Niknam, M. (1981). *Bibliography of Hafez*, Shiraz: Hafez Studies Center.
- Razi, A. refahibakhsh, z. (2010). *Pathology of Essay Writing on Persian Literature Texts*, *New Literary Essays*, (171), 143-168.
- Saadi, M. (2006). *Kolliyate saadi*, edited by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Hermes.
- Sadoughi Saha, M. (1981). *History of Wise Men and Mystics*, Tehran: Islamic Association of Iranian Wisdom and Philosophy.
- Safa, Z. (1982). *History of Literature in Iran*, Volume 5, Part 3, Tehran: Ferdowsi.
- Sanai, Majdood bin Adam. (1970). *Hadihghat ol haghhighah*, Edited by Mohammad Taghi Modarres Razavi, Tehran: University of Tehran.